

گفت‌وگو با سیدرضا قزوینی غرابی

ایران و صدر نمی‌توانند از هم فاصله بگیرند

عراق این روزها در گیرودار یک فرایند پیچیده سیاسی قرار دارد. پس از انتخابات پارلمان این کشور که نتایج آن برای برخی کارشناسان و فعالان این حوزه عجیب و غریب بود، حالا همه چشم به ترکیب دولت آینده عراق دوخته اند؛ اینکه سرنوشته گروه‌های سیاسی حاضر در پارلمان چه خواهد شد، کدام گروه‌ها با یکدیگر ائتلاف خواهند کرد و درنهایت کدام یکی از آنها نقش بیشتری در دولت آینده خواهد داشت. در گفت و گو با سیدرضا قزوینی غرابی پژوهشگر ارشد مسائل عراق به بررسی این موضوعات پرداختیم.



به بهانه سالگرد شهادت محمدباقر حکیم و تأثیر نبودن او در عرصه سیاسی عراق

جای خالی آیت‌الله

◀ | **مریم جراح لایق**

«مردم عراق با همبستگی و اتحاد می‌توانند

صلح و امنیت را در کشورشان برقرار کنند» این یکی از جملاتی بود که شهید آیت‌الله سید محمدباقر حکیم در آخرین نماز جمعه خود و دقایقی پیش از شهادت در صحن مبارک امیرالمؤمنین(ع) خطاب به مردم عراق گفت.

عراق شهید حکیم در یک کلام عراق وحدت بود، آن هم نه تنها وحدت شیعه بلکه وحدت همه اقوام و مذاهب از شیعه و سنی تا کرد و ترکمان.

این شهید بزرگوار با ایجاد اتحاد و یکپارچگی میان فرزندان عراق و با اعتنا به هویت ملی و دینی، خودباوری و بی‌اعتمادی به بازیگرانی که روزی حامی صدام دیکتاتور و روز دیگر دشمن وی بودند؛ نقش مهم اسلامی، تاریخی و تمدنی عراق را در کنار دیگر همسایگان خود در منطقه احیا و«عراقی صدام» را به «عراقی حکیم» تبدیل کرد.

نقش ماندگار شهید حکیم در رهبری سیاسی تنها در شخص ایشان خلاصه نمی‌شود بلکه خاندان حکیم در طول تاریخ و در گذشته‌های حساس تاریخی همواره بر جامعه و هدایت افکار عمومی عراق تأثیرگذار بوده و هستند. نخست باید به این موضوع اشاره کرد که

▪ **باتوجه به آرایش سیاسی که این روزها در عراق شاهد آن هستیم و همچنین نتیجه انتخابات اخیر در پارلمان، چند درصد احتمال می‌دهید مصطفی الکاظمی در منصب نخست‌وزیری باقی بماند؟ و این ماندن و نماندن او چه پیامدهای برای ایران و منطقه خواهد داشت؟**

اینکه مصطفی الکاظمی در این منصب بماند یا خیر، الان چندان قابل توجه نیست. الکاظمی نخست‌وزیر مورد حمایت جریان صدر بود. در این دوره نیز تا اینجا به نظری رسد صدی‌ها تعیین‌کننده نخست‌وزیر خواهند بود بنابراین هر نخست‌وزیری که به قدرت برسد چه مستقیماً عضو جریان صدر باشد چه نباشد، بخشی از سامانه اجرایی صدی‌ها خواهد بود. با این حساب حتی اگر شخصیتی با سوابق متفاوت با کاظمی باشد، باز هم نخست‌وزیر صدی‌ها خواهد بود. البته تجربه نشان داده است که انتخاب نخست‌وزیر همیشه در عراق با چالش‌های جدی مواجه بوده و طرف‌های متعدد در داخل و خارج در نتیجه نهایی مؤثر هستند. اما من معتقدم در چهارچوب همین توافق‌هایی که منجر به انتخاب «الحلبوسی» برای ریاست پارلمان شد، نخست‌وزیر جدید نیز بتواند سطح قابل توجهی از روابط را با منطقه رقم بزند.

▪ **یکی از رویدادهای مهم این دوره، توافق «خمیس خنجر» با «محمد الحلبوسی» بود. در این وضعیت، چقدر احتمال می‌دهید که افرادی مانند «محمود المشهدانی»، «خالد العبدی» و «مثنی السامراپی» بتوانند به‌عنوان بدیل ورقیب الحلبوسی برای رهبری بیت سنی مطرح شوند؟ آیا می‌توان احتمال داد ریاست پارلمان به‌فردی غیر از الحلبوسی برسد؟**

اگر بازیگری سیاسی محمد الحلبوسی در چهار سال گذشته را رصد و بررسی کنید روند قابل توجهی از چگونگی به قدرت رسیدن یک استعداد سیاسی جوان در بیت سنی عراق را به عینه خواهید دید. اینکه چگونه استاندار الانبار با ۶ کرسی در انتخابات ۲۰۱۸ به ۳۷ کرسی در انتخابات ۲۰۲۱ دست می‌یابد و در جایگاه دوم حتی جلوتر از احزاب ریشه‌داری مانده حزب الدعوة (دولت قانون) قرار می‌گیرد، تنها با حمایت خارجی نبوده و نیست. حتی توافق خنجر با الحلبوسی که با میانجیگری متعدد خارجی صورت گرفت با زیرکی شخص الحلبوسی رخ داد که از ۲۰۱۸ تاکنون تلاش جدی برای رهبری بلامنازع سیاسی اهل سنت داشته است. این ظرفیت در حال حاضر در اختیار هیچ‌یک از رهبران سیاسی سنی دیگر نیست. رهبران قدیمی نیز در جامعه اهل سنت، اقبال مؤثری ندارند و نارضایتی زیادی از آنها به‌دلیل برآورده نشدن انتظارات در مناطق سنی نشین وجود دارد.

▪ **برخی اعتقاد دارند یکی از پیامدهای این دوره انتخابات، احیای حیات سیاسی «مسعود بارزانی» بود. تحلیل خود را در این مورد می‌فرمایید؟ پیامدهای آن در بغداد و معادلات منطقه چه خواهد بود؟**

پس از همه پرسی استقلال اقلیم کردستان در سال ۲۰۱۷ و شکست در تحقق آن و استعفا ی مسعود بارزانی از ریاست اقلیم، بسیاری آن را پایان حیات سیاسی بارزانی دانستند اما ازبایی دستاوردهای حزب دموکرات کردستان عراق در این ۴ سال و جایگاه آقای بارزانی بویژه در انتخابات اخیر نشان داد که حیات سیاسی او نه تنها پایان نیافته بلکه همچنان باید او را قدرتمندترین و مؤثرترین چهره در میان سیاستمداران کرد عراق دانست. پارتهی در این دوره با ۳۱ کرسی، نتیجه بهتری از دوره قبل کسب کرد و خود را به‌عنوان یکی از احزاب پیروز و مؤثری نشان داد که افراد دیگری مانند صدر و الحلبوسی برای تحقق خواسته‌های خود به همراهی آن نیاز دارند.

حتی گروه‌های سیاسی شیعی رقیب صدر که در چهارچوب اطار التنسيقی یا همان کمیته هماهنگی

تعریف می‌شوند نیز در رایزنی‌های خود، به نقش شخص مسعود بارزانی واقف بودند و در حقیقت وی در محوریت تمامی رایزنی‌های سیاسی هیات‌های اعزامی از بغداد و نجف قرار داشت.

حزب دموکرات در حال حاضر ریاست اقلیم و نخست‌وزیری آن را در اختیار دارد و برای ریاست جمهوری، هوشیار زبیری را نامزد کرده است. چنانچه این موضوع محقق شود، بازیگری و نقش آفرینی حزب دموکرات و بارزانی‌ها در بغداد بیش از پیش می‌شود و معتقدم این مسأله در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی به سود کردها خواهد بود. اما در بلند مدت فزونی یافتن قدرت پارتهی و بارزانی‌ها را به سود بغداد نمی‌دانم.

▪ **از میان دو گزینه «هوشیار زبیری» و «برهم صالح»، فکرمی‌کنید کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به کدام یک تمایل بیشتری خواهند داشت؟**

این دوره از انتخاب رئیس جمهور در عراق از حیث جایگاه نامزدهای موجود تفاوت جدی با دوره‌های سابق دارد. چنانچه قرار باشد هم هوشیار زبیری و هم برهم صالح تا انتها با یکدیگر رقابت کنند این جدی‌ترین رقابت کردی بر سر پست ریاست جمهوری عراق خواهد بود.

انتخاب هریک از این دو گزینه در عمل ارتباطی به اینکه کدام یک از این گزینه موفق‌تر یا کاراتری بوده یا خواهد بود ندارد. انتخاب رئیس جمهور بخشی از یک معادله و توافق سیاسی از پیش تعیین شده‌است. شما رقابت میان المشهدانی و الحلبوسی در انتخاب ریاست پارلمان را ببینید. ۱۴ رأی المشهدانی در مقابل ۲۰۰ رأی الحلبوسی؛ براساس توافق‌های داخلی بیت‌سنی و سپس توافق‌های سنی‌ها با شیعیان و کردها، الحلبوسی باید رئیس پارلمان باشد. از این‌رو در چنین رأی‌گیری‌هایی نمی‌توان الزاماً محبوبیت یا کارایی یک فرد را ارزیابی کرد.

شاید اگر خارج از معادلات و توافق‌های این دو با یکدیگر رقابت می‌کردند فاصله آرا کمتر از این می‌بود. در اتمسفر انتخاب رئیس جمهور نیز وضع همین‌گونه است. صالح، در دوره ریاست جمهوری، گزینه‌ای قابل توجه بود. روابط مناسبی با همه طرف‌های سیاسی داشت، هر چند در مقطعی گروه‌های سیاسی شیعی حامی مقاومت با او دچار اختلاف شده بودند اما در مجموع روابط او با همه طرف‌های داخلی مناسب و در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی شخصیت فعالی بوده است. اما به هر حال این توافق‌های داخلی کردی در ابتدا تعیین‌کننده رئیس‌جمهور است.

اتفاقاً حزب دموکرات به‌عنوان برنده بیشترین کرسی‌های کردی با اختلاف زیاد از اتحادیه میهنی، نقش جدی در این معادله دارد و جایگاه آقای مسعود بارزانی در این مسأله را نباید نادیده انگاشت. اما اینکه طرف‌های منطقه‌ای به کدام گزینه تمایل دارند نمی‌توانم بااطمینان بگویم.

کردها با اینکه در مسائل داخلی با یکدیگر اختلافات جدی می‌توانند داشته باشند اما اساساً در سیاست خارجی، مناسبات خوبی با همه طرف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی دارند.

▪ **چقدر احتمال می‌دهید مقتدی صدر حاضر به ائتلاف بانوری المالکی و قیس العزلی شود؟ اگر حاضر به ائتلاف با این دو نفر نباشد، چشم‌انداز آن در تشکیل دولت چیست؟**

سناریوهای متعددی همچنان برای تشکیل دولت قابل تصور است. اینکه صدر در چهارچوب شعار خود بنی بر الحکومه الاغلبیه یا همان دولت اکثریت، با ائتلاف حزب دموکرات کردستان و الحلبوسی، دولت را تشکیل دهد، حالا یا یک نخست‌وزیر صدرصد صدی را به کار گیرند یا یک چهره مثل الکاظمی و مانند او را. علاوه بر آن، اطار التنسيقی می‌کوشد که همچنان در چهارچوب قدرت باقی بماند و در حال

http://irannewspaper.ir

editorial@irannewspaper.ir

که برای حفظ منافع خود و تقویت این کشور در مقابل نفوذ و حضور ایالات متحده، همواره با همه گروه‌های سیاسی در میان همه طوایف و مذاهب رابطه و مناسبات مطلوبی داشته‌است. جریان صدر نیز از این قاعده مستثنی نبوده است. با این حال تعامل با این جریان نیاز به هوشمندی و ظرافت‌های خاص خود را دارد. اشتراکات زیادی میان تهران و صدر وجود دارد که نمی‌تواند این دورا بی‌نیاز از رابطه با یکدیگر کند. مذهب مشترک، پیوندهای خاندان صدر در ایران، رویکرد ضد امریکایی دو طرف و عدم امکان بی‌نیازی طرف شیعی در عراق از وجود ایران به‌عنوان یک بازیگر جدی و اساسی از جمله دلایلی است که دو طرف را نیازمند به داشتن روابط مناسب با یکدیگر می‌کند. کما اینکه به‌دلیل جایگاه جریان صدر در تحولات عراق، ایران نمی‌تواند این گروه را نادیده بگیرد.

هر چند در بدنه کف پایگاه اجتماعی صدر و طبقات فرودست آن، رویکردهای جدی قومی عربی وجود دارد و همین مسأله منجر به موضعگیری‌های نامطلوب این قشر علیه ایران می‌شود که چه بسا، برخی رهبران گروه را نیز در تعامل با ایران دچار

محدودیت کند اما در مجموع، سیاست ایران در قبال تعامل با صدر باید سیاست هوشمندانه‌ای باشد و به‌دلیل برخی رفتارها و رویکردها و موضعگیری‌های

در عرصه سیاسی عراق، ایران نشان داده است که برای حفظ منافع خود و تقویت این کشور در مقابل نفوذ و حضور ایالات متحده، همواره با همه گروه‌های سیاسی در میان همه طوایف و مذاهب رابطه و مناسبات مطلوبی داشته‌است. جریان صدر نیز از این قاعده مستثنی نبوده است. با این حال تعامل با این جریان نیاز به هوشمندی و ظرافت‌های خاص خود را دارد

آنان، آنها را نادیده بگیرد تا منجر به فاصله‌گیری بیشتر آنان از تهران و نزدیکی بیشتر به رقبیان منطقه‌ای ایران نشوند و نه آنکه با اتخاذ یک سیاست متعطلانه، جریان صدر خود را یک بازیگر بی‌نیاز از تهران قلمداد کند. ▪ **در سایه معادلات مربوط به تشکیل دولت آینده، مسأله خروج امریکابه کجا خواهد کشید؟ آیا تداوم حملات مسلحانه، باعث تشدید شکاف سیاسی و مانع چینی در مسیر شکل‌گیری دولت نمی‌شود؟**

مسأله خروج نظامیان امریکایی در حال حاضر موضوعی پیچیده است. یکی از دلایل عمده‌ای که این مسأله را سخت می‌کند عدم اتفاق همه طرف‌های سیاسی عراق برای خروج کامل امریکایی‌هاست. هریک از طرف‌ها هم انگیزه‌های خود را دارند. برخی گروه‌های شیعی نزدیک به ایران که در دوره عبدالمهدی رأی به خروج نظامیان امریکایی از عراق دادند طبعاً موافق این موضوع هستند. جریان صدر با اینکه به اعتقاد من هنوز یک جریان ضد امریکایی است اما به دلایلی از جمله صنف‌بندی در مقابل گروه اول و انگیزه‌های آنان از خروج امریکایی‌ها، موضع شدیدی برای خروج امریکایی‌ها تاکنون و به سباق گروه‌های مقاومت اتخاذ نکرده است. کردها که اساساً با امریکا

نزدیکی دارند و همپیمان او هستند و اهل سنت نیز هم به‌دلیل روابط با ایالات متحده و نگرانی از افزایش نفوذ ایران و همپیمانان آن بعد از خروج امریکا، تمایلی به مسأله ندارند. بنابراین تا زمانی که اجماع سیاسی در این باره شکل نگیرد، مسأله خروج کامل محقق نخواهد شد. ممکن است حملات مسلحانه علیه نظامیان امریکایی ادامه یابد که من بخشی از آن را به تلاش برای فشار در روند شکل‌گیری نهاد‌های جدید پس از انتخابات یا حتی مانع تراشی در مسیر می‌بینم اما اعتقادی به اثرگذاری این گونه حملات بر کلیت تحولات سیاسی پیش روندارم.

گفت‌وگو با صدر است. دور از احتمال نیست که صدر برای تفکیک رقیب خود، حضور بخشی از آن را در دولت پیش رو بپذیرد. کما اینکه وی به دلایل شخصی تمایل جدی برای تخریب چهره مالکی دارد. بنابراین جذب بخشی از اطار، دور کردن آنها از المالکی و تنها گذاشتن او می‌تواند یک گزینه ایده آل برای صدر باشد. بخصوص آنکه برخی این اشکال را وارد کرده‌اند که جریان صدر تنها بخشی از بیت‌گسترده شیعی است و سنی‌ها و کردها در هرگونه ائتلاف و تشکیل دولت جدید باید رضایت فراگیر این بیت را کسب کنند. پیوستن برخی از شخصیت‌های اطار به صدر می‌تواند این اشکالات مطرح شده را نیز برطرف کند. با وجود این، حضور نداشتن برخی از این افراد را مانع چندان در تشکیل دولت جدید نمی‌دانم.

▪ **اگر یکی از سناریوهای پیش‌رو را تقسیم چهارچوب هماهنگی شیعیان به دو جناح المالکی (معارضه) و عامری (ائتلاف با صدر) تصور کنیم، پیامدهای احتمالی آن برای جامعه سیاسی شیعیان و مشخصاً محور مقاومت چه خواهد بود؟**

به هر حال تقسیم اطار التنسيقی و کمیته هماهنگی شیعیان یک ضربه جدید به بیت شیعی در عراق خواهد بود. بیت شیعی سال‌هاست از عمق اختلاف و تشتت رنج می‌برد. در ماجرای برکناری آقای

عبدالمهدی و انتخاب گزینه‌های پس از او این موضوع خود را بخوبی نشان داد و ضربه بدی به حیثیت آنان وارد کرد. این موضوع اکنون بخوبی اثر خود را بر نتایج بخش قابل توجهی از آنها در انتخابات نشان داد. ناتوانی از ائتلاف و ورود یکپارچه به عرصه انتخابات و در مرحله کلان‌تر، ادامه اختلافات میان جریان صدر و رقبای شیعی بویژه حزب الدعوة و جناح المالکی. نتیجه آنکه در تشکیل فراکسیون بزرگتر که منطبق در شرایط عادی باید در اختیار اکثریت یعنی شیعیان باشد، شیعیان (جریان صدر) به نسبت کردها و سنی‌هایی که با آنها ائتلاف کرده‌اند در اقلیت خواهند بود. بنابراین این یک بازی دارای برنده برای شیعیان نیست. حفظ منافع اکثریت، نیاز به یکپارچگی رهبران سیاسی بیت شیعی دارد و ادامه این اختلافات و حتی تعمیق آن می‌تواند منجر به تشدید کشمکش‌های سیاسی و در نهایت قربانی شدن شهروندان و توده شیعی شود.

▪ **در این میان ایران چه سیاستی را باید در قبال جریان صدر در پی بگیرد؟**

جریان صدر یک جریان سیاسی و اجتماعی ریشه‌دار در عراق و در میان شیعیان است. با اینکه این جریان، در میان اکثریت شیعیان عراق، یک اقلیت به شمار می‌رود اما نقش آفرینی آن در عرصه سیاسی و تحولات نظامی و امنیتی عراق، آن را تبدیل به یک جریان بسیار قدرتمند اثرگذار کرده است. مقایسه جایگاه این گروه در میانه سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸ به‌عنوان یک جریان شاذ با شبه نظامیان خارج از قانون، که مخالفان و دشمنان بسیار جدی در میان شیعیان، اکراد و اهل سنت داشت و جریان صدر در انتخابات اخیر به‌عنوان برنده اول، نشان دهنده نقش آفرینی روبه‌افزایش این گروه و جریان اجتماعی است. در عرصه سیاسی عراق، ایران نشان داده است



مبارزه برای رسیدن عراق به جایگاه واقعی خود در منطقه و جهان و برقراری وحدت و صلح و ثبات در این کشور صرف کرد، می‌گذرد و آنچه این روزها با توجه به تحولات اخیر در عراق بیش از پیش احساس می‌شود، فقدان رهبری آرمان که در درجه اول وحدت شیعیان و در گام بعدی یکپارچگی عراق را مدنظر قرار دهد.

عراق جدید بعد از سقوط صدام در این سال‌ها با فراز و نشیب‌های بسیار سیاسی و امنیتی دست به گریبان بوده و هست، اما همواره توانسته از چالش‌های دشواری همچون داعش با سربلندی بیرون بیاید و همین امر نشان از این دارد که در صورت وجود رهبری مقتدر و آگاه این کشور ظرفیت و توان بازگشت به «عراقی شهید حکیم» را دارد.

مبارزات علیه گروه تروریستی داعش نیز نقش مؤثری داشت.

آیت‌الله سید محمدباقر حکیم پس از سقوط رژیم صدام با وجود بی‌میلی مقامات اشغالگر و کارشکنی آنان، به عراق بازگشت و فعالیت سیاسی و اقامه نماز جمعه در صحن مبارک امیرالمؤمنین(ع) را آغاز کرد، اما چند ماهی از بازگشت وی به عراق نگذشته بود که در اول رجب ۱۴۲۴ قمری مقارن با میلاد امام محمدباقر(ع)، پس از اقامه چهاردهمین نماز جمعه در حالی که از حرم امام علی(ع) خارج می‌شد، در پی انفجار خود و خردوی نمازگداری شده همراه بیش از یک صد نفر از نمازگزاران به شهادت رسید.

اکنون ۱۹ سال از شهادت «رهبری حکیم» که تمام عمر خود را از کودکی تا شهادت در راه